

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

سوال

1. یکی از آقایان زحمت کشیده اند و از کتاب رسائل شیخ انصاری در مورد پالایش احادیث مطلبی را در بحث حجت خبر واحد در قسمت دلیل العقل آورده اند که جای تشکر دارد. چون برخی از افراد مطلب را از شیخ اعظم راحت تر قبول می‌کنند. البته واژگانی مثل اصل ریزش و پالایش و... در کلام شیخ انصاری نیست.

شروع بحث

مستحضرید ما در جلسه سابق گفتیم مرحوم آخوند بعد از بحث مره و تکرار، یک تنبیه دارد که ارزش این تنبیه از خود مساله بیشتر است. چون اصل مساله روشن است صیغه دلالت بر مره و تکرار ندارد. از اقیموا الصلاة نه یکبار بخوان استفاده می شود و نه چند بار خواندن.

در تنبیه ایشان از امتثال بعد الامتثال شروع می کند بعد می رسد به تبدیل الامتثال؛ ایشان بین این دو بحث، تفکیک نمی کند. از جهت کاربست این تنبیه بسیار ارزشمند است برخی از آقایان در دو یا سه اداره می خواهند نماز بخوانند آیا می توانند همان نماز را برای بار دوم یا سوم در ادارات دیگر نیت بکنند؟ البته شما نگویید الامتثال بعد الامتثال بگویید الاتیان ثانیاً بعد الامتثال چون الامتثال بعد الامتثال خیلی روشن است که جوابش منفی است. اما الاتیان بعد الامتثال وجهی دارد.

دیدید برخی نماز می خوانند و می گویند نماز نجسپیدی می خواهم دوباره بخوانم در اینجا به چه نیتی باید بخواند؟ در اینجا می خواهد در واقع تبدیل به احسن بکند. آیا تبدیل لغو است یا نه؟ اصلاً در عبادات آیا ما چیزی به نام تبدیل به احسن داریم یا نه؟ این مساله از جهت کاربست و مورد، محل ابتلاست. آیا تبدیل فرادی به جماعت لغو است یا معنا دارد؟ چون این هم از مصادیق تبدیل به احسن است.

ما می خواهیم امروز و فردا در مورد این مساله گفتگو کنیم.

مرحوم آخوند 4 مطلب در تنبیه ذکر می کند.

1. بنا بر قول به دلالت صیغه بر مره، امتثال بعد الامتثال یا به تعبیر دقیق تر الاتیان ثانیاً بعد الامتثال معنا دارد؟ در این صورت معنا ندارد. این را مرحوم آخوند فرموده است و کسی هم مخالفت نکرده است.

2. بنا بر مختار(عدم دلالت صیغه بر مره و تکرار) آیا الاتیان ثانیاً بعد الامتثال معنا دارد یا نه؟ آیا شخص می تواند اجتهاداً او تقلیداً برای بار دوم در اداره دیگر نماز بخواند یا نه؟

ایشان می فرماید: اگر صیغه ای که تصور کردید دلالت بر مره و تکرار نمی کند اگر در مقام اهمال و اجمال است اگر شک کنیم اتیان ثانیاً درست است یا نه؟ در این صورت مرجع، اصل عملی است.

یک سوالی که در کفایه وجود دارد این است آیا اجمال و اهمال فرقی دارد؟ پاسخ: اولاً اهمال را وقتی گویند که خود قانون گذار هم تصور دقیقی نسبت به امتثال بعد امتثال نکرده است لذا برخی می گویند ما در شریعت اهمال نداریم اما اجمال داریم. برخی می گویند آیات زکات، نماز(اقیموا الصلاة)، حج و... برای ضرب قانون است و لذا اجمال دارد. برخی معتقدند ممکن است قانون گذار تصور درستی داشته باشد اما عنایت داشته باشد مبهم گویی کند لذا نسبت به قانون گذار هم اهمال قابل تصور است.

مرحوم آخوند: اگر آیات اجمال داشت و مبنای ما هم این بود که صیغه امر دال بر مره و تکرار نیست در این صورت نمی توانیم

استناد به دلیل کنیم و بگوییم اقتضای دلیل جواز امتثال بعد از امتثال است یا اقتضای دلیل عدم جواز امتثال بعد از امتثال است. در اینجا نیز باید به سراغ اصل برویم. آیا اینجا استصحاب جاری است یا برائت؟ انشالله توضیح خواهیم داد.

3. گاهی از اوقات صیغه امر در مقام بیان است و اجمال و ابهامی ندارد. مانند بسیاری از روایات نماز، روایات خمس و... اطلاق گیری هم ممکن است. در این صورت آیا می توان استفاده مره و تکرار کرد؟ مرحوم آخوند می فرماید: اگر اطلاق داشت لا اشکال بالاکتفاء بالمره بیان مطلب: چون طبیعت با یک فرد صادق است در این صورت امتثال صادق است. ولی بحث ما اکتفاء به یک بار نیست عمده بحث ما جواز تکرار است. اصلاً اهمیت این تنبیه به خاطر این است که ببینم تکرار جایز است یا نه؟

4. بعضی وقت ها با انجام اول (نماز اول مثلاً) هدف اقصی (مقصد) شارع انجام شده است مثل اینکه در اول وقت وضو گرفته و نمازش را با جماعت و با تمام آداب خوانده است. دیگر نماز بهتری برای این فرد تصور ندارد؛ اگر این فرض باشد دیگر وجهی برای اتیان ثانیاً وجود ندارد چه دومی را الامتثال بعد امتثال بدانیم چه تبدیل الامتثال بعد الامتثال. یعنی نماز دوم لغو و بی اثر است.

اما بعضی وقت ها هدف مولا با انجام اولی به طور کامل محقق نشده است. مرحوم آخوند مثال می زند؛ مثلاً خانمی برای شوهرش چای می آورد اما چای می ماند و سرد می شود و... در اینجا امتثال دوم بی اشکال است خصوصاً اگر امتثال دوم تبدیل به احسن باشد. البته ما مثال زده ایم به اینکه شخصی نماز فرادی خوانده است دوباره بخواند نماز را به جماعت بخواند یا نمازش را در خانه خوانده می خواهد در مسجد تکرار کند و... این مثال ها برای تبدیل به احسن است.

ملاحظات استاد

مطلب اول که ذکر شد: هیچ بحثی ندارد و نیاز نیست وقت بگذاریم. چون در صورت اول خود یکبار در دلیل آمده است و تکرار معنا ندارد حتی اگر به شارع نسبت دهید مرتکب حرام شده آید.

مطلب سوم مرحوم آخوند هم بحث خاصی ندارد چون می فرمود یکبار کافی است.

مطلب دوم: در اینکه در صورت دوم مرجع چیست اختلاف شده است. مرحوم آخوند فرمود مرجع اصل عملی است ولی فرمود کدام اصل عملی است. شاید هم به وضوحش واگذار کرده است و بیان نکرده است. اما بعد از مرحوم آخوند کسانی که این بحث را مطرح کرده اند در بیان اصل اختلاف کرده اند.

مسلم مرجع اصل اشتغال و احتیاط نیست اصالة التخییر هم برای دوران بین محذورین است لذا اینجا راه ندارد. اینجا آنچه تصور دارد برائت و استصحاب است. بیان برائت: وقتی می گویند برائت، مراد برائت زمه است. چون برائت در ناحیه جعل شارع برای بار دوم معنا ندارد. اینجا فرق انسان فنی با ناشی معلوم می شود. گاهی درخت هر روز هرس می شود و به صورت زیبا رشد می کند اما درختان جنگلی همین طور بالا می آید. بین کسی که استاد دیده با کسی که استاد ندیده همین است. بعضی از دوستان دانشگاهی ما گاهی می گویند برائت از جعل شرعی؛ ما عرض می کنیم برائت از جعل شرعی که معنا ندارد.

یکی از آقایان (محقق خویی) در باره بیان برائت اینگونه گفته است: انّ ما هو ثابت علی ذمة المکلف علی القطع هو اعتبار طبیعی الفعل (طبیعت نماز مثلاً) و اما الزائد علیه (اینکه مثلاً مقید شود تکرار هم درست است) و هو تقیید بالتکرار او بعدمه فی الافراد الطولیه (آیا یک نماز بخوانم یا چند نماز) او تقیید بالتعدد او بعدمه فی الافراد العرضیه (مثلاً گفته اکرم العالم، این افراد طولیه است آیا یک عالم یا چند عالم؟) فحیث لا دلیل علی اعتباره (تقیید) فمقتضی الاصل هو البرائة عنه نتیجه برائت این می شود که چند بار هم می تواند عمل را انجام دهد.

سوال: در برائت باید آثار شرعی بار شود شما اگر برائت از تقیید جاری کنید آیا می توانید نتیجه بگیرید عمل را می توان دو بار یا سه بار انجام داد؟ ما می گوییم بله می شود.

من این قسمت ها را خدمت آیت الله وحید خراسانی بودم؛ در یادداشت های که دارم نوشته ام شیخ استاد ما به برائت راضی نبوده اند ایشان می فرمود اینجا جای برائت نیست.

بیان آیت الله وحید خراسانی «سلمه الله» چرا می گویند برائت اینجا جای استصحاب است. باید استصحاب عدم جعل شارع، عدم تعلق تکلیف به وجودات بعدی جاری شود.

شما مگر نماز اول وقت نخواندید مگر نمی گویند یک بار کافی است نباید بار دوم را شارع جعل کرده باشد؛ شما روی چه

قانونی در اداره دوم می گویند چهار رکعت نماز ظهر می خوانم بر من واجب قرینه الی الله ... اینکه بر شما واجب نیست برای شما مستحب هم نیست. اینجا استصحاب عدم جعل نسبت به وجودات بعد دارید. بله در وجودات عرضیه مثلاً بعد از خطاب «اطعم» شخص برود پنج نفر را اکرام کند این بی اشکال است.

استاد: به ما گفته اند اگر استصحاب جاری باشد نوبت به برائت نمی رسد یا نوبت به اصل طهارت نمی رسد. فرض کنید عبای تن من دیروز پاک بوده است امروز شک دارم نجس شده است یا نه؟ در اینجا آیا اصل طهارت جاری است یا استصحاب عدم نجاست؟ در این موارد استصحاب را مقدم می کنند. اگر کلام شیخ استاد ما تمام بشود طبیعتاً نوبت به اصل برائت نمی رسد. اما آیا آقای خویی که کلام بالا را فرمود حواسشان به این مطلب نبوده است؟ البته به این نکته هم توجه کنید گاهی از اوقات در جایی که استصحاب جاری است برائت جاری می شود و بر استصحاب مقدم می شود. در شرب توتون اگر شک کنیم آیا برائت جاری می کنیم یا استصحاب عدم حرمت؟ اگر در وجوب سوره در نماز شک کردیم آیا برائت از وجوب سوره می کنیم یا استصحاب عدم جعل؟ پاسخ تقدم برائت است. سوال ما این است مگر شرایط استصحاب اینجا وجود ندارد چرا به سراغ برائت می روید.

الحمد لله رب العالمین